



## بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز هفتم ماه مبارک رمضان؛ در حسینیه‌ی امام خمینی رحمه الله ( ۱ )

2 / خرداد / 1397

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

خوشامد عرض میکنم به برادران و خواهران عزیز، مسئولان محترم در بخشهای گوناگون کشور و نخبگان سیاسی و مدیریتی در مجموعه‌ی جمهوری اسلامی ایران. جلسه‌ی بسیار مهمی است؛ از جناب آقای رئیس‌جمهور هم تشکر میکنم که بیانات خوب و قوی‌ای در زمینه‌های گوناگون ذکر کردند.

ماه رمضان یک فرصت ویژه است برای طراوت بخشیدن به روح ایمان و صفا و معنویت در درون ما؛ روزه، تلاوت قرآن، دعا، مناجات، شنیدن مواعظ، مجموع اینها یک فضائی را به وجود می‌آورد که دل‌های ما به قدر استعداد، به قدر ظرفیت، از این محیط معنوی و روحانی بهره‌مند میشود. شاید بشود گفت که در مجموع دوازده ماه دوران سال، این یک ماه، در حکم همان دو سه ساعت قبل از فجر در مجموع شبانه‌روز است؛ همچنان که آن یکی دو ساعت، دو سه ساعت قبل از اذان صبح خصوصیتی دارد و معنویت انسان، صفای انسان [بیشتر است] - در آیات قرآن هم اشاره شده، تصریح شده به بیداری آن ساعات و در روایات هم که فراوان [آمده] - نشان‌دهنده‌ی این است که آن ساعات در ۲۴ ساعت یک خصوصیتی دارند که ساعات دیگر ندارند این خصوصیت را؛ ماه رمضان در مجموع دوازده ماه، مثل همان چند ساعت است؛ خصوصیتی دارد.

خب، برای همه‌ی مردم این فرصت وجود دارد منتها برای فضای نخبگانی و مدیریتی کشور، این خصوصیت یک امتیاز مضاعفی دارد؛ چون مسئولیت سنگینی بر دوش من و شما است. مردم عادی مشغول کارهای زندگی خودشان که این بار سنگین را بر دوش ندارند، بنیه‌ی معنوی آنها میتواند آنها را حرکت بدهد؛ [اما] ما که مسئولیت داریم، اگر بنیه‌ی معنوی خودمان را تقویت نکنیم نخواهیم توانست آن کار لازم را، آن مسئولیت سنگین را به سرمنزل برسانیم. شما ملاحظه کنید خداوند متعال به کسی مثل پیغمبر، به انسان والایی مثل رسول الله در سوره‌ی مژمل [میفرماید]: بسم الله الرحمن الرحيم \* يا ايها المرمل \* قم اليل الا قليلا \* نصفه او انقص منه قليلا \* او زد عليه و رتل القرآن ترتيلا؛ (۲) نیمی از شب - یا زیادتر یا کمتر - برخیز عبادت کن، دعا کن، مناجات کن، قرآن بخوان، آن ساعات را مشغول باش؛ چرا؟ انا سئلقى عليك قولا ثقيلا؛ (۳) کارت مشکل است، کار سنگینی بر دوش تو است، قول ثقیلی را به تو القا خواهیم کرد؛ باید آن را بتوانی تحمل کنی. اگر این بیداری نیمه‌شب، این تضرع، این دعا، وجود داشت، میتوانی این بار را تحمل کنی و ببری و به منزل برسانی؛ اگر نه، نه. وضع ما این جور است. عزیزان من! ما اگر بنیه‌ی معنوی خودمان را تقویت نکنیم [نمیتوانیم]؛ هر جا که هستیم - از این حقیر که مسئولیتیم از همه سنگین‌تر است تا مدیران رده‌های مختلف - همه مخاطب این خطابیم که «اِنا سَئَلُكَ عَلَیْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»؛ باید خودمان



را آماده کنیم.

خب، درباره‌ی مسائل روز، بحث خوبی را آقای رئیس‌جمهور مطرح کردند، بنده هم در همین زمینه‌ها مطالبی را عرض خواهم کرد. ما در یک مقطعی قرار داریم؛ مقاطع گوناگونی را جمهوری اسلامی از اوّل تا امروز گذرانده است و در هر مقطعی یک تجربه‌ای، یک آزمایشی، یک آزمون مهمّی مطرح شده؛ جمهوری اسلامی هم با قدرت، با استقامت، با حوادث گوناگون این مقاطع مواجه شده است و پیش رفته است. این هم یک مقطعی است که با این هم ان شاء الله جمهوری اسلامی با قدرت، با توانایی، با تدبیر مواجه خواهد شد و پیش خواهد رفت؛ تجربه‌هایی داریم که باید این تجربه‌ها را استفاده کنیم و به کار ببندیم.

مسئله‌ی اصلی در این قضیه‌ی خاص این است که ما یک دشمنی از اوّل انقلاب تا امروز در مقابل خودمان مشاهده کرده‌ایم؛ از ساعات اوّل انقلاب این دشمن ظهور پیدا کرد، حضور پیدا کرد و شروع کرد به مخالفت کردن، و این دشمن، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا بود؛ از همان اوّل -البته از وقتی که گنجی‌شان برطرف شد و آن ایّامی که نمیدانستند چه دارد اتفاق می‌افتد گذشت- شروع کردند به مخالفت کردن، معارضه کردن. آمریکایی‌ها تا امروز که ما داریم اینجا صحبت میکنیم، انواع و اقسام دشمنی‌ها و ترفندها و حیل‌های گوناگون را برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی پیش برده‌اند، یعنی واقعاً هیچ نوع معارضه‌ای را شما سراغ ندارید که اینها نسبت جمهوری اسلامی انجام نداده باشند؛ سازمان‌دهی کودتای نظامی کردند، قومیتها را تحریک کردند، صدام را به جنگ با ایران و حمله‌ی به ایران تحریک کردند؛ بعد در دوران جنگ به انواع و اقسام طرق از او حمایت کردند، پشتیبانی کردند؛ تحریم کردند؛ در سازمان ملل علیه ما اعمال نفوذ کردند؛ تبلیغات شبانه‌روزی کردند؛ از هنر استفاده کردند؛ از هالیوود استفاده کردند برای ساختن فیلم علیه ما، نه یکی، نه دو تا؛ در برهه‌های مختلف حرکت نظامی کردند؛ هواپیمای ما را ساقط کردند؛ به برخی از مراکز ما در خلیج فارس حمله‌ی نظامی [کردند]؛ همه‌جور کاری را علیه جمهوری اسلامی انجام دادند؛ مخالفت‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی، فرهنگی؛ همه‌جور. هدف همه‌ی این کارها هم براندازی بود؛ حالا [اینکه] امروز این کلمه در تعبیرات مسئولین آمریکایی تکرار میشود، چیز جدیدی نیست؛ از روز اوّل هدفشان همین بود. حتی همان رئیس‌جمهوری (۴) که تکرار میکرد و اصرار میکرد که هدف ما براندازی نیست، او هم هدفش براندازی بود که کاملاً این معنا واضح شد.

خب در همه‌ی این قضایا هم مهم این است و جالب اینجا است که این همه علیه جمهوری اسلامی ضربه و حمله و نقشه و توطئه و مانند اینها [بود]، همه شکست خورده. شما امروز ملاحظه کنید، جمهوری اسلامی را مشاهده کنید، بعد از گذشت حدود چهل سال، با قدرت، با استقامت، با توانایی‌های گوناگون -که حالا به بعضی ممکن است اشاره کنم، بعضی را [هم] آقای دکتر روحانی اشاره کردند- دارد حرکت میکند، دارد پیش میرود؛ یعنی تمام آنچه آنها انجام دادند، همه‌ی نیرویشان را مصرف کردند، از طرق مختلف استفاده کردند، همه‌ی اینها شکست خورده؛ مثل آن گربه‌ی معروف داستان «تام و جری»، (۵) در همه‌ی این تدابیر با حجم فراوان، بالاخره ناکام ماندند. خب امروز هم یک مقطع دیگر است، باز هم شکست خواهد خورد؛ در این قضیه هم قطعاً و یقیناً شما بدانید آمریکا شکست خواهد خورد، جمهوری اسلامی سرفراز و سربلند با سینه‌ی ستبر از ماجرا بیرون خواهد آمد.

ما در شکست دشمن شک نداریم؛ بنده هیچ تردیدی ندارم. هرکسی که با معارف اسلامی آشنا باشد میداند که «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، (۶) وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ (۷) یا همین آیه‌ای که تلاوت کردند که «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ



عند الله»، ( ۸ ) اینها مسلم است و در این تردیدی نیست. میدانیم که شکست میخورند ؛ میدانیم که سرنوشت رئیس‌جمهور کنونی هم بهتر از سرنوشت اسلافش -بوش و نئوکانها ( ۹ ) و دوروبری‌های ریگان و بقیه- نخواهد بود ؛ این هم مثل همانها در تاریخ گم خواهد شد و جمهوری اسلامی سربلند باقی خواهد ماند ؛ در این هیچ تردیدی نداریم. ولیکن طبق سنت الهی، یک وظایفی بر عهده‌ی ما است ؛ هرگز این نتیجه‌ی قطعی که پیشرفت و نصرت الهی نسبت به جمهوری اسلامی است، نباید ما را از وظایفمان غافل کند. یک وظایفی بر عهده‌ی ما است که اگر این وظایف را انجام ندهیم، نمیتوانیم به آن نتایج مطمئن باشیم ؛ باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم. خب، ما میخواهیم درباره‌ی این وظایف کنونی خودمان یک مقداری امروز اینجا بحث کنیم و این بحث به ما کمک کند تا در بخشهای مختلف، در رده‌های مختلف -الحمدالله همه‌ی مسئولین هم تشریف دارید- یک همفکری‌ای در این زمینه‌ها به وجود بیاید. موضوع را در دو بخش ملاحظه میکنیم: یکی رفتاری که در قبال آمریکا و برجام و مدعیان مقابل خودمان بایستی داشته باشیم -این یک بحث است- یک بحث دیگر این است که در داخل کشور چگونه حرکت کنیم و چه کار کنیم که بتوانیم قدمها را محکم برداریم و به نتایج مورد نظر برسیم ؛ دو بخش بحث اینها است. بنده سعی میکنم با [استفاده از] فرصت و وقت، تا آن مقداری که میتوانیم ان شاءالله این دو بخش را تبیین کنم.

در مورد اول، مقدمه‌ی لازم هر تصمیمی این است که ما به تجربه‌های گذشته‌ی خودمان مراجعه کنیم: من جرّب المجرب حلت به الثدامة ؛ ( ۱۰ ) اگر از تجربه‌ها درس نگرفتیم، قطعاً ضرر خواهیم کرد. باید تجربه‌ها را در مقابل چشم خودمان بگذاریم، ملاحظه کنیم و از این تجربه‌ها درس بگیریم. چند تجربه در مقابل ما است ؛ من چهار پنج تجربه‌ی واضح را که عرض بکنم، همه تصدیق خواهید کرد ؛ اینها در مقابل ما است. اینها، هم برای تصمیم‌گیری امروز ما مهم است، هم برای آیندگان مهم است ؛ هم برای آن کسانی که در آینده میخواهند مواجه بشوند با مجموعه‌ی کارهای گوناگون، و جمهوری اسلامی را ان شاءالله با قدرت پیش ببرند مهم است.

تجربه‌ی اول این است که دولت جمهوری اسلامی نمیتواند با آمریکا تعامل کند ؛ چرا؟ برای خاطر اینکه آمریکا پابند به تعهدات خودش نیست. نگوئید اینها کار این دولت است و کار ترامپ است ؛ نه، دولت قبل هم که با ما نشست، صحبت کرد و وزیر خارجه‌اش ده روز، پانزده روز در اروپا پابند جلسات بود، آنها هم تقریباً همین جور [بودند] ؛ حالا به شکل دیگری عمل کردند ولی نقض کردند ؛ آنها هم تحریم کردند، آنها هم برخلاف تعهدات خودشان عمل کردند. دولت آمریکا برخلاف تعهدات خودش عمل میکند ؛ این بار اول هم نیست ؛ قضایای گوناگون قبلی هم همین را تأیید میکند. مجموعه‌ی برخوردهایی که از اول با برجام کردند، به تعبیر حضرات دیپلمات‌های ما، نقض روح و جسم برجام بود ؛ این را دیپلمات‌های محترم ما که خودشان این زحمت را کشیده بودند و واقعاً تلاش شبانه‌روزی کرده بودند برای مسئله‌ی برجام، بارها و مکرّر در زمان این دولت و در زمان دولت قبل آمریکا گفتند که برجام نقض شده ؛ گاهی روح برجام و گاهی جسم برجام را نقض کردند. خب، دولتی با این خصوصیات که به این راحتی معاهده‌ی بین‌المللی را نقض میکند، بعد هم مثل آب خوردن زیر امضایش میزند و میگوید من از معاهده خارج شدم -با کارهای نمایشی تلویزیونی ؛ امضایش را نشان میدهد که ما خارج شدیم از فلان [معاهده]- خب پیدا است که با این دولت لاقول جمهوری اسلامی نمیتواند تعامل کند. این جواب آن کسانی که بارها و بارها به ما در طول زمان میگفتند چرا با آمریکا مذاکره نمیکنید، چرا با آمریکا تعامل نمیکنید ؛ این جوابش. آمریکا البته با خیلی از کشورهای دیگر هم همین جور است ؛ با دولتهای گوناگون دیگر هم همین جور است که آن مورد بحث ما نیست ؛ لاقول جمهوری اسلامی نمیتواند با آمریکا تعامل کند، نمیتواند کار کند ؛ این تجربه‌ی اول.



ایران پابند بود، وفادار بود به این تعهد، یعنی هیچ بهانه‌ای اینها ندارند؛ آژانس بین‌المللی [انرژی] اتمی بارها و بارها تصدیق کرده، دیگران هم تصدیق کردند که ایران پایبند بوده، [پس] هیچ بهانه‌ای ندارند؛ درعین حال شما می‌بینید راحت این معاهده‌ی بین‌المللی را به هم می‌زنند، زیر امضای خودشان می‌زنند، حرفشان را پس می‌گیرند و می‌گویند نه، قبول نداریم. خب با یک چنین دولتی نمیشود نشست و مذاکره کرد، نمیشود به او اطمینان کرد، نمیشود با او قرارداد امضا کرد، با او نمیشود کار کرد؛ این حاصل قضیه. البته اینکه گفتیم «با ما قابل اعتماد نیستند»، این قدر مسلم قضیه است؛ بنده وقتی نگاه میکنم به قضایای منطقه و قضایای کشور خودمان و مانند اینها، میبینم با دیگران هم همین جور بودند. محمدرضای پهلوی از سال ۳۲ تا سال ۵۷ یعنی ۲۵ سال، مطیع محض اینها بود. بارها و بارها رفتاری با او کردند که شما خاطرات علم را که ملاحظه کنید، [می‌بینید] شاه در ملاقات با رفیق نزدیکش علم - البته جرئت نمیکند در بیرون و علنی این حرف را بزند یا به خود آمریکایی‌ها بگوید - بنا میکند از آمریکایی‌ها شکایت کردن که این کار را کردند، آن کار را کردند؛ لکن در نهایت، تسلیم آنها است. بعد از آنکه سرنوشت آن بدبخت و روسیاه این جوری شد که از ایران گریخت و رفت، به آمریکا راهش ندادند؛ یعنی اول رفت و یک مدتی در آمریکا بود، بیرونش کردند. یعنی با یک نفر نوکر صمیمی ۲۵ ساله‌ی خودشان هم این جوری رفتار کردند. شبیه همین، حُسنی مبارک (۱۱) بود. در آن روزهای حساسی که انقلاب در مصر شروع شده بود و به اوج رسیده بود و هر آن ممکن بود یک حادثه‌ای اتفاق بیفتد، یک ساعت از حُسنی مبارک حمایت کردند، چند ساعت بعدش رد کردند، چند ساعت بعدش جور دیگر حرف زدند، بعد هم رهایش کردند رفت؛ تمام شد؛ حُسنی مبارکی که سی سال در اختیار کامل اینها بود و هر کار گفتند عمل کرد در قضیه‌ی فلسطین و غیر فلسطین. اینها این جوری هستند دیگر؛ آمریکایی‌ها این جوری هستند؛ دولت آمریکا، رژیم آمریکا این جوری است؛ این تجربه‌ی اول.

تجربه‌ی دوّم؛ تجربه‌ی دوّم، عمق دشمنی آمریکا با ایران و با جمهوری اسلامی است. دشمنی، دشمنی عمیق است، دشمنی سطحی نیست. مخالفت بر اساس و بر محور مسئله‌ای مثل مسئله‌ی اتمی نیست، این را همه فهمیده‌اند؛ بحث، فراتر از اینها است. بحث این است که اینها با نظامی که در این منطقه‌ی حساس سر بلند کرده، ایستاده، قد برافراشته، رشد کرده، با ظلمهای آمریکا مخالفت میکنند، نسبت به آمریکا هیچ‌گونه ملاحظه‌کاری نمیکنند، روحیه‌ی مقاومت را در منطقه توسعه میدهد، پرچم اسلام را در دست گرفته مخالفت؛ عمیقاً مخالفت. مسئله‌ی آنها این است که این نظام اسلامی و جمهوری اسلامی نباید باشد؛ نه فقط این نظام نباشد، [بلکه] آن مردمی که این نظام را حمایت میکنند یعنی ملت ایران هم منفور سران حکومت‌های آمریکایند. یکی از معاونان رئیس‌جمهور آمریکا - نه این رئیس‌جمهور، یکی از رؤسای جمهور قبلی - صریحاً گفت که ما باید ریشه‌ی ملت ایران را - نه ریشه‌ی جمهوری اسلامی را - بکنیم. خب، پس مسئله‌ی آمریکا با جمهوری اسلامی مسئله‌ی این نیست که حالا دعوای اینها مثلاً سر قضیه‌ی هسته‌ای یا سر قضیه‌ی موشک یا مانند اینها باشد؛ خیر، قضیه‌ی هسته‌ای و موشک و امثال اینها هم یک داستان دیگری دارد یعنی تکیه‌ی روی آنها - این را حالا شاید در ضمن صحبت عرض کردم - برای این است که عناصر مؤلفه‌ی قدرت جمهوری اسلامی را اینها میخواهند از بین ببرند. اینها مؤلفات قدرت جمهوری اسلامی و اقتدار ملت ایران است؛ از این جهت است که روی اینها تکیه میکنند. این هم این تجربه، و از این تجربه نمیشود صرف نظر کرد. یادمان باشد که آمریکا دشمن ملت ایران و دشمن نظام جمهوری اسلامی است؛ [آن هم] دشمنی عمیق. بحث هسته‌ای و اتمی و این حرفها نیست؛ بحث اصل نظام جمهوری اسلامی است.

تجربه‌ی سوّم؛ تجربه‌ی سوّم این است که انعطاف در مقابل این دشمن - به‌خاطر مصلحت‌سنجی‌های موسمی‌ای که خب ما در یک مواردی داریم - تیغ دشمنی او را گند نخواهد کرد، بلکه او را گستاخ‌تر خواهد کرد؛ این هم یک



تجربه است. فراموش نکنیم هر جایی که ما مقداری کوتاه آمدیم، آنها تندتر آمدند. همان رئیس‌جمهور شریری که خودش مجسمه‌ی شرارت بود -بوش دوّم- ( ۱۲) در مقابل انعطافهایی که دولت وقت نسبت به او نشان داده بود، ایران را محور شرارت نامید و با افتخار ایستاد، اسم محور شرارت را روی ایران گذاشت؛ [چون] در مقابل او انعطافهایی نشان داده شده بود. الان هم شما ملاحظه کنید؛ ما خب در مقابل خیلی از این تحریمهایی که اینها ایجاد کردند، کارهایی که کردند، خلافهایی که کردند، اعتراض کردیم اما یک حرکت عملی قوی‌ای انجام ندادیم؛ [این] در واقع یک نوع هزینه پرداختن بود. در مقابل پرداختن این هزینه‌ها، حالا شما می‌بینید که رئیس‌جمهور آمریکا ( ۱۳) و وزیر خارجه‌اش، ( ۱۴) گستاخ، طلبکارانه، وقیح، می‌آیند به میدان و حرف می‌زنند، طلبکاری میکنند؛ عقب‌نشینی در مقابل آنها، انعطاف در مقابل آنها هیچ تأثیری در کم کردن دشمنی آنها ندارد. اگر چنانچه فرض کنیم کسی هست که احساس میکند «خب، یک دشمن این‌جوری را ما از سر باز کنیم، نگذاریم دشمنی کند»، راه جلوگیری از دشمنی او، انعطاف و کوتاه آمدن نیست؛ اگر میخواهید کاری کنید که او دشمنی نکند، خیلی خب، راهش را پیدا کنید، اما این راهش نیست که ما در مقابل او کوتاه بیاییم و عقب‌نشینی کنیم. [این] البته مخصوص آمریکا هم نیست؛ غربی‌ها عمدتاً همین‌جور هستند. ما فراموش نمیکنیم -یعنی این جزو چیزهایی است که در تاریخ ما قابل فراموش شدن نیست- که در یک دوره‌ای رئیس‌جمهور ما ( ۱۵) که طرف‌دار نرمش در مقابل غرب و مانند اینها بود، از طرف یک دولت غربی -از طرف آلمان؛ در ماجرای میکونوس- به دادگاه احضار شد سر یک حرف بی‌ربط و بی‌منطقی؛ یعنی این‌قدر اینها چشم‌سفید و پُررو و وقیحند؛ از این قبیل اتفاقات باز هم افتاده. این هم یک تجربه است. یادمان باشد راه جلوگیری از دشمنی این دشمنها، عقب‌نشینی و انعطاف و مانند اینها نیست.

یک تجربه‌ی دیگر، نقطه‌ی مقابل این است و آن، این است که ایستادگی در مقابل آنها، امکان بسیار زیاد عقب‌نشاندن آنها را دارد. در همین قضایای هسته‌ای این قضیه اتفاق افتاد؛ در سال ۸۳ و ۸۴ همه‌ی تأسیسات ما تعطیل بود دیگر؛ میدانید که کارخانه‌ی یوسی‌اف ( ۱۶) اصفهان را مَهروموم کرده بودیم به‌خاطر همین مذاکراتی که کرده بودیم و برای اینکه پرونده‌ی جمهوری اسلامی عادی بشود، پرونده‌ی هسته‌ای ایران عادی بشود؛ هرچه ما عقب‌نشینی کردیم، آنها جلو آمدند؛ هر چه ما نرمش به خرج دادیم، آنها تندتر شدند؛ تا بالاخره به هیئت ایرانی گفتند آقا، تضمینی که شما باید بدهید، فقط به یک شکل حاصل میشود و آن این است که تمام تأسیسات هسته‌ای‌تان را جمع کنید؛ همه را جمع کنید! کاری شبیه کاری که لیبی انجام داد. تضمین واقعی این است؛ والا تضمین صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای شما جور دیگری ممکن نیست؛ فقط همین‌جور ممکن است که شما همه‌ی تأسیسات را حذف [کنید]؛ یعنی این‌جور اینها وارد میدان شدند. حالا کارخانه‌ی اصفهان -که خب یک کارخانه‌ی ابتدائی بود دیگر- تعطیل بود، غنی‌سازی هم اصلاً به معنای حقیقی خودش وجود نداشت؛ حتی ما برای اینکه یک یا دو یا سه سانتریفیوژ داشته باشیم، بحث میکردیم و میگفتند نمیشود! موافقت نمیکردند که ما یک سانتریفیوژ یا دو سانتریفیوژ یا سه سانتریفیوژ داشته باشیم. بعد، ما دیدیم اینها خیلی دارند زیادی حرف می‌زنند، زیادی پُررویی میکنند، واقعاً دارند وقاحت میکنند، گفتیم پس بازی تمام؛ مَهروموم‌ها را شکستیم، کارخانه‌ی یوسی‌اف را راه انداختیم، غنی‌سازی را در نطنز و بعد در جاهای دیگر همین‌طور راه انداختیم، رسیدیم به بیست درصد؛ یعنی ما از سه‌ونیم درصدی که اینها اجازه نمیدادند حرکت کردیم و جوانهای مؤمن ما توانستند غنی‌سازی بیست درصد را تأمین کنند و کارهای فراوانی که در جریان هستید و میدانید. وقتی که به اینجا رسیدیم، اینها آمدند با اصرار، به یک معنا با التماس به ما گفتند که خیلی خب، حالا شما بیایید قبول کنید که بیست درصد را انجام ندهید، مثلاً پنج هزار یا شش هزار سانتریفیوژ داشته باشید -حالا اینها همانهایی بودند که سه سانتریفیوژ یا دو سانتریفیوژ را هم اجازه نمیدادند- [میگفتند] عیب ندارد؛ بیایید غنی‌سازی بکنید، مثلاً شش هزار سانتریفیوژ داشته باشید یا فلان





مقدار غنی‌سازی سه‌ونیم درصد را داشته باشید؛ اینها همانها هستند. الان آقای دکتر روحانی گفتند؛ اینها - سازمان ملل و دستگاه‌های گوناگون سیاسی جهان - به خیال خودشان حق غنی‌سازی ایران را [به رسمیت] شناخته‌اند؛ بله، شناخته‌اند، [اما] منشأش مذاکره نیست؛ اشتباه نکنیم؛ منشأش پیشرفت ما است؛ ما چون پیشرفت کرده‌ایم، چون حرکت کرده‌ایم، چون به بیست درصد رسیده‌ایم، اینها به تب راضی شده‌اند؛ والا اگر چنانچه بنا بود مذاکره کنیم و این را با مذاکره به دست بیاوریم، تا امروز و تا هرگز به دست نمی‌آمد. این هم یک تجربه است که در مقابل زیاده‌خواهی طرف مقابل و جبهه‌ی مقابل، انسان منافع خودش را دنبال کند و شجاعانه حرکت کند و پیش برود.

یک تجربه‌ی دیگر که این هم تجربه‌ی مهمی است، تجربه‌ی همراهی اروپا با آمریکا در مهم‌ترین موارد است. ما بنای دعوا کردن با اروپایی‌ها را نداریم؛ با این سه کشور اروپایی بنای معارضة و مخالفت و بگومگو نداریم، اما واقعیتها را باید بدانیم. این سه کشور نشان داده‌اند که در حساس‌ترین موارد با آمریکا همراهی میکنند و دنبال آمریکا حرکت میکنند. حرکت زشت وزیر خارجه‌ی فرانسه در جریان مذاکرات را همه یادشان هست؛ در بازی «پلیس بد و پلیس خوب» میگفتند او نقش «پلیس بد» را ایفا میکند؛ البته قطعاً با هماهنگی آمریکایی‌ها بود؛ یا برخورد انگلیس‌ها در قبال حق خرید کیک زرد که مسلم شده بود و قطعی شده بود و در برجام پیش‌بینی شده بود که ما از یک مرکزی و محلی کیک زرد تهیه کنیم و بخریم و بیاوریم، [اما] انگلیس‌ها جلوی ما را گرفتند؛ یعنی اینها با آمریکا همکاری میکنند، همراهی میکنند؛ تاکنون این جور بوده. این هم یک تجربه است؛ این را فراموش نکنیم. اینها در مقام حرف یک چیزهایی میگویند اما در مقام عمل، تا الان ما ندیده‌ایم - یعنی به نظر من تا الان ما این را مشاهده نکرده‌ایم؛ بنده یادم نمی‌آید - که اینها به معنای واقعی کلمه ایستاده باشند و در مقابل آمریکا از حق دفاع کرده باشند.

یک تجربه‌ی مهم دیگر در این قضایای برجام، این است که گره زدن حل مسائل کشور به برجام و امثال برجام یا به مسائل خارجی، یک خطای بزرگی است. ما نبایستی مسائل کشور را، مسائل اقتصادی کشور و مسائل گوناگون کشور را گره بزنیم به امری که از اختیار ما خارج است، در بیرون کشور تدبیر میشود و تصمیم‌گیری میشود. وقتی ما مسئله‌ی اقتصاد کشور را، کسب و کار کشور را به مسئله‌ی برجام گره میزنیم، نتیجه این میشود که صاحبان کار و سرمایه چند ماه باید منتظر بمانند تا ببینند خارجی‌ها در مورد برجام چه تصمیمی میگیرند؛ چند ماه تأمل کنند، صبر کنند، منتظر بمانند تا ببینند که آیا در توافق میمانند یا از توافق خارج میشوند؛ امضا میکنند یا امضا نمیکنند؛ بعد از آنکه امضا کردند، پابند امضا میمانند یا نمیمانند! مرتب بایستی دستگاه فعال اقتصادی مردمی کشور در انتظار رفتار خارجی‌ها باشد. نمیتوانیم ظرفیت کشور را معطل توافق برجام بگذاریم؛ مدتی معطل اجرای برجام، مدتی معطل خروج و عدم خروج از برجام؛ آن هم در مقابل دشمنی مثل آمریکا. اینها بخشی از تجربه‌های ما است؛ این تجربه‌ها را بایستی در نظر داشته باشیم تا تکرار نشود و از یک سوراخ دو بار گزیده نشویم و در قضایای بعدی این تجربه‌ها را به‌طور کامل به کار ببندیم.

خب، اگر چنانچه از این تجربه‌ها استفاده نکردیم، به چیزهای کم‌اهمیت دلمان را خوش کردیم [ضرر میکنیم]. همین‌طور که آقای رئیس‌جمهور گفتند واقعاً آمریکایی‌ها در این قضیه از لحاظ اخلاقی، از لحاظ حقوقی، از لحاظ آبروی سیاسی در دنیا شکست خوردند؛ خب بله، آمریکا بی‌آبرو شد؛ این یک واقعیتی است و در این تردیدی نیست اما من میخواهم این را مطرح کنم که آیا ما مذاکره را شروع کردیم برای اینکه آمریکا بی‌آبرو بشود؟ هدف مذاکره‌ی ما این بود؟ ما مذاکره را شروع کردیم برای اینکه تحریمها برداشته بشود - و شما ملاحظه میکنید که بسیاری از تحریمها برداشته نشده، حالا هم دارند تهدید میکنند که تحریمهای چین و چنان را بر ایران تحمیل خواهیم کرد؛



همان تحریم‌های ثانویه‌ای را که با مصوبه‌ی برجام و با قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل برداشته شد، همانها را دوباره می‌خواهند اینها برگردانند- هدف، این بود؟ یا گفته میشود مثلاً بین اروپا و آمریکا شکاف به وجود آمد؛ خوب، بله، ممکن است یک شکاف ظاهری کم‌اهمیتی هم بینشان [به وجود آمده]، لکن ما برای این مذاکره نکردیم. ما مگر مذاکره کردیم که بین آمریکا و اروپا شکراب به وجود بیاید؟ ما مذاکره کردیم که تحریم برطرف بشود؛ شروع مذاکره برای این بود، ادامه‌ی مذاکره برای این بود؛ و این باید تأمین بشود؛ اگر این تأمین نشد، بقیه‌ی چیزهایی که حاصل شده، ارزش زیادی را نخواهد داشت. و عرض کردم که [اروپایی‌ها] مخالفت هم نمیکنند؛ اروپایی‌ها دنبال آمریکا حرکت میکنند، به همدیگر کمک هم میکنند: وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوْحَى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا؛ (۱۷) اینها به هم کمک هم میکنند، به یکدیگر پیام هم میدهند، کمک هم میکنند، یکدیگر را تقویت روحی هم میکنند. خوب، اینها چیزهایی است که ما به‌عنوان تجربه‌ی برجام باید در نظر داشته باشیم.

یک نکته‌ی مهمی را من در اینجا ذکر بکنم؛ در قضیه‌ی برجام، در مواجهه‌ی با برجام حتماً لازم است که عناصر سیاسی، عناصر مدیریتی، عناصر مطبوعاتی و فرهنگی از سرزنش یکدیگر پرهیز کنند؛ این کار را نکنید. نقد، انتقاد صحیح، منصفانه، عاقلانه، ایرادی ندارد، مسئولین هم باید به انتقادات گوش بدهند؛ اما اینکه همدیگر را سرزنش کنیم، اهانت کردن، هتک حرمت کردن، متهم کردن، اینها باید از بین [برود]؛ یک دودستگی و دوقطبی براساس برجام به وجود نیاید. حالا یک حرکاتی است که باید انجام بدهیم، یک فعالیتی است باید انجام بدهیم که حالا من یک اشاره‌ای کردم و میکنم؛ این به جای خود محفوظ؛ [اما] وحدت را، اتحاد را، همدلی را، هم‌زبانی را در این قضیه نقض نکنیم؛ این هم یک نکته‌ی اساسی است.

خوب، حالا با توجه به آنچه عرض کردیم، نحوه‌ی مواجهه‌ی با برجام از این پس چه‌جوری باید باشد؟ چند نکته را من اینجا ذکر کرده‌ام.

نکته‌ی اول این است: ما در مواجهه‌ی با این قضیه، قضایا را واقع‌بینانه بسنجیم؛ دل خودمان را خوش نکنیم به احتمالات و چیزهایی که گفته میشود، ذکر میشود و معلوم نیست که واقعیتی پشت سرش باشد یا اطمینانی به آنها نیست؛ واقع‌بینانه بسنجیم، واقع‌بینانه هم به مردم منتقل کنیم. اینکه ما در قضایای اول مذاکرات در ذهنمان بود و خودمان تصور کردیم و به دیگران هم گفتیم که «بله، اگر ما مذاکره کنیم، صد میلیارد دلار پول وارد کشور میشود»، خوب این یک معنایی دارد؛ برای کشور ما صد میلیارد مبلغ معتنا به‌ای است، مبلغ مهمی است، اصلاً بکلی میتواند خیلی از مشکلات کشور را برطرف کند؛ این واقعیت نداشت. حالا رئیس‌جمهور وقیح آمریکا هنوز میگوید که ما ۱۰۰ میلیارد، گاهی میگوید ۱۵۰ میلیارد به ایران دادیم؛ شما غلط کردید دادید! شما کی به ایران [پول دادید]؟ یک دلار هم شماها ندادید به ایران. خود ما هم در واقع به یک نحوی باور کردیم این ۱۰۰ میلیارد را؛ خوب این گمان [بود]، تصور بود، توهم بود، واقعیت نداشت. بایستی مراقب باشیم آنچه را برای آینده‌ی خودمان و منافع خودمان و عوض هزینه‌هایی که میپردازیم مشخص میکنیم، واقعیت داشته باشد و همان واقعیت را بفهمیم و همان واقعیت را هم صریح با مردم در میان بگذاریم.

بنده این را به شما عرض بکنم، امروز اقتصاد کشور را از راه برجام اروپایی نمیشود درست کرد؛ اقتصاد کشور از این راه درست نخواهد شد. قرائن فراوانی دارد که همین حالا دارید مشاهده میکنید: بعضی از شرکتهای قابل توجه غربی اعلان میکنند که خواهند رفت، بعضی‌ها رفته‌اند، بعضی‌ها میگویند معلوم نیست چه کار کنیم؛ رؤسا و مسئولین



دولتهای غربی، همین جور حرف میزنند؛ آلمان یک جور، فرانسه یک جور، آن یکی یک جور. بحث تصحیح کار اقتصادی کشور را از راه برجام اروپایی نمیشود درست کرد. حالا برجام اروپایی یک مقوله‌ای است اما برای اقتصاد به آن نباید دل بست؛ اقتصاد راه‌های دیگری دارد که حالا من اشاره‌ای خواهم کرد. این یک نکته است.

نکته‌ی دوّم این است که سه کشور اروپایی در سیزده چهارده سال قبل، یک بدعهدی و بی‌صدافتی بزرگی با ما کرده‌اند سر همین قضیه‌ی هسته‌ای؛ سالهای ۸۳ و ۸۴ یک بی‌صدافتی بزرگی با ما کردند؛ یک چیزی را قول دادند، عمل نکردند، برخلافش عمل کردند. بایستی ثابت کنند که آن حالت را دیگر ندارند؛ این به عهده‌ی آنها است. دولتهای اروپایی باید اثبات کنند به جمهوری اسلامی که امروز آن بی‌صدافتی و بدعهدی آن روز را نخواهند داشت؛ باید آن را جبران کنند. این هم نکته‌ی بعدی.

یک نکته‌ی دیگر این است که در دو سال گذشته آمریکا رفتار نقض‌کننده‌ی برجام را تکرار کرده؛ کارهای گوناگون؛ همان‌طور که عرض کردم، به قول حضرات دیپلمات‌های ما، روح برجام و جسم برجام را نقض کرده؛ [اما] اروپایی‌ها ساکت ماندند؛ بایستی در مقابل آمریکا می‌ایستادند، باید در مقابل او اعتراض میکردند؛ اگر اعتراض میکردند ممکن بود کار به اینجا نرسد که آمریکا مثل آب خوردن امضای خودش را بگذارد کنار و بگوید من خارج میشوم. اینها بایستی آن غفلتی را که در این دو سال کردند جبران کنند.

نکته‌ی بعدی؛ آمریکا قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ را نقض کرده است؛ (۱۸) آنهایی که عضو شورای امنیتند بایستی در مقابل این حرکت آمریکا، قطعنامه‌ای علیه او به شورای امنیت ببرند؛ یک قطعنامه علیه آمریکا به‌عنوان اینکه این [کشور] ناقض قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ است. یکی از کارهایی که باید بکنند این است.

اروپا باید متعهد بشود که بحث موشک و حضور جمهوری اسلامی در منطقه را مطرح نخواهد کرد؛ این را باید قول بدهند. اینکه در هر برهه‌ای از زمان یک چیزی بگویند و مسئله‌ی موشک را به شکل‌های مختلف مطرح کنند، اصلاً قابل قبول نیست. بایستی سران این سه کشور قول بدهند و قبول بکنند که مطلقاً مسئله‌ی موشک را مطرح نخواهند کرد.

باید با هرگونه تحریمی علیه جمهوری اسلامی هم مقابله کنند. یعنی حالا او میگوید من تحریم میکنم ایران را، اینها باید صریح در مقابل تحریم آمریکا بایستند. اگر بنا است معاهده‌ای وجود داشته باشد بین ما و اروپایی‌ها، این جزو شرایطش است.

البته این را هم همه بدانند که حالا ما گفتیم مسئله‌ی موشک را مطرح نکنند؛ [اما] جمهوری اسلامی از مؤلفه‌های قدرت قطعاً دست نخواهد کشید که یکی از مؤلفه‌های قدرت، نیروی دفاعی است؛ دفاع از دور. یکی از مؤلفه‌های قدرت، نیروی دفاعی است؛ یکی از مؤلفه‌های قدرت، عمق راهبردی ما است. حضور در کشورهای منطقه و طرف‌داری ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی، عمق راهبردی جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی از این نمیتواند صرف‌نظر کند؛ هیچ دولت عاقلی صرف‌نظر نمیکند. یا سرمایه‌ی اجتماعی مردم؛ این اتحاد مردم و اجتماع مردم زیر پرچم اسلام؛ حرکت جمهوری اسلامی با شعار و افتخار به اسلامی بودن و مسلمان بودن؛ اینها چیزهایی است که اساس و استخوان‌بندی و مایه‌ی قوام جمهوری اسلامی است؛ همه بدانند که از اینها کسی دست برنخواهد





داشت.

یک نکته‌ی دیگر این است که اروپا باید فروش کامل نفت ایران را تضمین کند؛ یعنی حالا اگر چنانچه آمریکایی‌ها توانستند به فروش نفت جمهوری اسلامی لطمه بزنند، آنها بایستی به قدری که جمهوری اسلامی می‌خواهد [خریداری بکنند]؛ ممکن است خود ما از کم فروختن نفت استقبال کنیم - این بستگی دارد به سیاست‌های دولت؛ ممکن است دولت به این نتیجه برسد که هرچه نفت کمتر بفروشیم و اقتصاد خودمان را از نفتی بودن دور کنیم، به نفع ما باشد، ممکن است به این نتیجه برسیم - اما اگر این نشد و تصمیم بر این شد که نفت را به همان اندازه‌ای که امروز می‌فروشیم بفروشیم، اگر چنانچه حرکت آمریکایی‌ها در این راه خللی ایجاد کرد، اروپایی‌ها قطعاً بایستی آن را جبران بکنند و به‌نحو تضمین‌شده‌ای باید آن را خریداری کنند.

نکته‌ی بعدی؛ بانک‌های اروپایی باید دریافت و پرداخت و انتقال وجوه مربوط به تجارت دولتی و تجارت خصوصی با جمهوری اسلامی تضمین را کنند. اینکه گفتیم باید تضمین کنند، تضمین، [انجام] این چیزها است؛ اینها را باید تضمین کنند. عرض کردم: ما با این سه کشور دعوا نداریم، [اما] اعتماد نداریم. مسئله‌ی ما مسئله‌ی دعوا کردن و اختلاف ایجاد کردن نیست؛ مسئله‌ی اعتماد نداشتن است؛ ما به این کشورها اعتماد نداریم و این هم متکی است به یک سابقه‌ای؛ لذاست که باید این تضمین‌ها به‌طور واقعی انجام بگیرد.

نکته‌ی بعدی این است که اگر اروپایی‌ها در پاسخگویی به این مطالبات تعلل کردند، حقّ ما برای آغاز کردن فعالیت‌های تعطیل‌شده‌ی هسته‌ای محفوظ است. مسئولین سازمان هسته‌ای ما بایستی آماده باشند. من البته نمی‌گویم الان بروید بیست درصد را شروع کنید به غنی‌سازی کردن، اما می‌گویم آماده باشید. آن وقتی که جمهوری اسلامی مصلحت دانست و لازم دانست، فعالیت‌های تعطیل‌شده را - که به‌خاطر برجام [بود]؛ هزینه‌هایی بود که برای برجام میدادیم - وقتی که دیدیم برجام فایده‌ای ندارد و حاضر نیستیم هزینه‌ها را بدهیم، طبعاً یکی از راه‌هایش این است که برویم سراغ بازیافت آن چیزها و فعالیت‌هایی که تعطیل شده. این راجع به مسائل مربوط به برجام.

بخش دوم صحبت ما راجع به مسائل داخلی خود ما و وظایف ما است در درون کشور که مسائل اقتصادی است. مسئله‌ی اول کشور فعلاً مسئله‌ی اقتصادی است. این کارهایی و فعالیت‌هایی که دولت مشغول هستند، ان‌شاءالله بایستی با قدرت ادامه پیدا کند؛ همین گسترش خدمات و کارهایی که دولت انجام میدهد، بایستی انجام بگیرد. خب البته واقعیت این است که وضع اقتصادی کشور تعریف ندارد؛ وضع اقتصادی با همه‌ی این تلاش‌هایی که انجام می‌گیرد، مطلوب نیست؛ مردم زیادی هم از لحاظ اقتصادی در فشار هستند. مسئله‌ی گرانی‌ها و این چیزها را کم‌وبیش شماها میدانید و بسیاری از مردم آن را با همه‌ی وجودشان لمس میکنند؛ این یک مشکل اساسی کشور است.

خب، ما برای اینکه بتوانیم این مشکلات را برطرف کنیم، در درجه‌ی اول چند چیز را بایستی قلباً تصدیق کنیم: اول اینکه بدانیم مشکل اقتصاد کشور با تکیه‌ی به ظرفیتهای فراوان داخلی قابل حل است؛ این را باور کنیم. این یک واقعیت است که بعضی این واقعیت را قبول ندارند و بعضی از این واقعیت اطلاع ندارند. ما ظرفیتهای بسیار زیادی در کشور داریم که همچنان استفاده نشده است و من بعداً یک مطلبی را در این زمینه از کارشناس‌های غیر ایرانی نقل خواهم کرد.



نکته‌ی دوّم که باید باور کنیم، این است که بدانیم نسخه‌های غربی برای ما قابل اعتماد نیستند. من نمیگویم بکلی رد کنیم؛ نه، بسنجیم. تسلیم بی‌بربرگرد نسخه‌های غربی نمیشود شد؛ نه در زمینه‌ی اقتصاد، نه در زمینه‌های دیگر مثل مسئله‌ی جمعیت. قضیه‌ی جمعیت یکی از همان نسخه‌های غربی است. اخیراً دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس خبیث تجویز نسخه هم کرده که ایران برای سی میلیون جمعیت، خیلی کشور خوبی خواهد بود! چشمتان چهار تا! ان شاءالله این جمعیت به ۱۵۰ میلیون هم خواهد رسید. سیاستهای جمعیتی کشور - آنهايي که دنبال میکردیم - سیاستهای غلطی بود. قبلاً این را من گفته‌ام؛ (۱۹) البته اولش درست بود؛ شروع درست بود، [ولی] ادامه‌اش درست نبود و غلط بود و ما غفلت کردیم در این زمینه؛ باید جبران بکنیم. مشکل اقتصادی کشور هم همین جور است؛ با نسخه‌های غربی درست نخواهد شد. تاکنون هم در طول سالهای مختلف هر وقت نسخه‌های غربی را به کار گرفتیم، سودی نبردیم، از یک جاهایی ضرر کردیم؛ قضیه‌ی تعدیل وقتی که در دهه‌ی هفتاد پیش آمد، مشکل عدالت اجتماعی در کشور ما به معنای واقعی کلمه ضربه خورد، شکاف طبقاتی به وجود آمد؛ ممکن است یک فوایدی داشت اما این ضررهای عمده را هم ما تحمل کردیم.

نکته‌ی سوّمی که بایستی به آن توجه کنیم و باور بکنیم، این است که سپردن کار به خارجی‌ها با توجه به بدقولی‌هایی که از آنها تا حالا دیده‌ایم، بایستی در حدّ اضطرار باشد، یعنی بعد از آنکه بکلی از امکانات داخلی مأیوس شدیم، آن وقت البته برویم سراغ دیگران؛ امکانات داخلی را - که به نظر بنده امکانات بسیار زیادی است - مقدّم نداریم.

نکته‌ی بعدی، ظرفیتهای داخلی است که اشاره کردم. ظرفیتهای داخلی بسیار زیاد است. یک مطالعه‌ی کارشناسی‌ای در بانک جهانی شده - این مسئله‌ی ما نیست؛ یک مطالعه‌ی کارشناسی است که بانک جهانی این مطالعه را کرده - آنها میگویند: ایران مخزنی از استعدادهای انسانی و سرزمینی بهره‌بردار نشده است؛ توجه کنید! میگویند ایران به لحاظ عدم بهره‌برداری از استعدادهای انسانی و سرزمینی در رتبه‌ی اول جهان است؛ یعنی استعدادهای فراوانی در مقابل ما است که ما از اینها استفاده نکرده‌ایم، کوتاهی کرده‌ایم.

ظرفیتهای انسانی و کثرت نیروهای قابل کار، بخصوص جوان و تحصیل کرده: ده میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی و بیش از چهار میلیون دانشجوی مشغول به تحصیل الان داریم. آن طوری که افراد مطلع و وارد از دوستان دولتی خودمان میگفتند، از لحاظ کثرت مهندسين، کشور یکی از کشورهای سطح بالا در دنیا و در سطح جهان است. از خیلی از کشورهای بزرگ و معروف، تعداد نسبی مهندسين ما بیشتر است؛ اینها ظرفیتهای ما است.

ظرفیتهای سرزمینی: وسعت سرزمین، دسترسی به آبهای بین‌المللی، تعداد همسایگان، بازار منطقه، مسیر حمل‌ونقل خارجی؛ اینها آن چیزهایی است که آن کارشناس‌های بانک جهانی گفتند. اینها امکانات سرزمینی‌ای است که ما از آن استفاده‌ی درستی نکرده‌ایم.

استعدادهای انسانی: تعداد جمعیت در سنّ کار و میزان تحصیلات و امثال اینها؛ همان کارشناس‌ها این را گفته‌اند که اگر ایران از این استعدادها بدرستی استفاده کند، جزو اقتصادهای پیشرو جهان به شمار خواهد آمد. این امکانات ما است و ما ثروت عظیمی در اختیار داریم.



[البته] در این محاسبه‌ی کارشناسی، ثروتهای طبیعی ذکر نشده، ثروتهای انسانی و ثروتهای سرزمینی - امکانات و ظرفیتهای سرزمینی - ذکر شده. مسئله‌ی ظرفیتهای طبیعی و ثروتهای طبیعی هم یک مسئله‌ی فوق‌العاده است. من یک وقتی در همین جلسه سالها پیش (۲۰) گفتم ما که یک صدم جمعیت جهان را داریم، یک صدم از فلزات مهم و لازم و اساسی برای صنایع مورد احتیاج را اگر داشته باشیم کافی است، [ولی] بیش از یک درصد داریم؛ بعضی از چیزها را سه درصد داریم، بعضی از چیزها را چهار درصد داریم، بعضی از چیزها را پنج درصد داریم. رقم نفت و گاز که خیلی بالا است؛ ما در دنیا در درجه‌ی اولیم؛ در نفت چهارم، در گاز اول، در مجموع نفت و گاز [هم] در دنیا اولیم.

اینها امکانات ما است؛ ظرفیتهای ما اینها است؛ از این ظرفیتهای ما باید استفاده کرد، و میشود استفاده کرد؛ میشود نشست فکر کرد، تدبیر کرد، برنامه‌ریزی کرد. البته اینها چیزهایی نیست که به صورت نقد به دست بیاید؛ لابد مقداری زمان خواهد برد لکن هروقت شروع کنیم، بالاخره به نتیجه خواهیم رسید. ما اینجا دو سه هفته پیش یک جلسه‌ای تشکیل دادیم درباره‌ی مسائل اقتصادی کشور؛ رؤسای محترم سه قوه حضور داشتند، مسئولین فعال اقتصادی در بخشهای دولت و مجلس و قوه‌ی قضائیه حضور داشتند؛ بحث نسبتاً خوبی در آنجا شد، حرفهایی زده شد. البته بنده اقتصاددان نیستم؛ حرفها متکی به حرفهای کارشناسها بود؛ مطالبی را گفتیم، یک ترتیبات شکلی‌ای قرار شد که انجام بگیرد. دوستان همینها را باید دنبال کنند؛ الان من توصیه میکنم - رؤسای سه قوه تشریف دارند، همان آقایانی که در آن جلسه حضور داشتند، الان همه اینجا هستند - [اگر] همان چیزهایی را که آن شب صحبت شد و تصمیم‌گیری شد و تأکید شد، با جدیت دنبال کنید، قطعاً مسائل اقتصادی پیش خواهد رفت؛ ما تردید نداریم. من، بعد اطلاع پیدا کردم که دوستان اقتصاددان دولت هم تأیید کردند همان چیزی را که آن شب اینجا صحبت شد و گفته شد و در جلسه به صورت تصمیم اعلام شد.

من عرض میکنم دشمن ما اتاق جنگ را برده است در وزارت خزانه‌داری؛ [اتاق] جنگ علیه ما به جای وزارت دفاع، وزارت خزانه‌داری آنها است، به شکل فعال هم مشغولند. قبلاً هم همین جور بود؛ سال ۹۰ و ۹۱ [هم] که آن تحریمها را شروع کردند - به خیال خودشان تحریمهای فلج‌کننده که به کوری چشم آنها نتوانست جمهوری اسلامی را فلج کند - فعال بودند؛ حتی وزیر آمریکایی میرفت با یکایک رؤسای بانکهای مختلف در کشورهای مختلف تماس میگرفت؛ یعنی این جور فعال بودند؛ شب‌وروز مشغول بودند. من عرض میکنم اینجا هم بایست ستاد مقابله‌ی با شرارت این دشمن در مجموعه‌ی اقتصادی تشکیل بشود؛ وزارت خارجه باید پشتیبانی کند، باید به صورت همراه کمک کند لکن بایست در مرکز اقتصادی دولت این ستاد تشکیل بشود و این کار را دنبال کنند. البته اقتصاد مقاومتی علاج همه‌ی اینها است که باید با جدیت دنبال بشود؛ ولی امروز با توجه به کارهایی که دشمن دارد میکند، ممکن است یک بخشهای خاصی از اقتصاد مقاومتی اولویت پیدا بکند که آنها را بایستی دنبال بکنند.

یک نکته‌ی دیگر در زمینه‌ی اقتصاد این است که اقتصاد دولتی جواب نمیدهد؛ مردم را باید وارد کرد، سیاستهای اصل ۴۴ را باید جدی گرفت. به دولت قبل هم من همین حرف را میگفتم، به دولت جناب آقای روحانی هم همین را مکرر گفته‌ام، باز هم میگویم؛ سیاستهای اصل ۴۴ را باید جدی بگیرید، باید بخش خصوصی را وارد میدان بکنید، باید کمک کنید به بخش خصوصی؛ این «صندوق توسعه‌ی ملی» برای همین است. همین که حالا آقای دکتر روحانی اشاره کردند که یک مقداری از پول ارز و درآمد ارزی به دولت داده نمیشود، این یعنی می‌رود داخل صندوق



توسعه‌ی ملی. این صندوق توسعه‌ی ملی در اختیار دولت است و هیچ چیز این در خارج از دولت نیست؛ خود صندوق در اختیار دولت است، مسئولین صندوق را دولت نصب میکند، سیاستهای صندوق، برداشت از صندوق، همه چیزش دست دولت است منتها در یک مواردی چون یک برداشت غیر قانونی برای دولت ضرورت پیدا میکند و فرصت اینکه بروند از مجلس اجازه بگیرند نیست، می‌آیند سراغ این حقیر، از این بنده مجوز میگیرند برای اینکه این پول را مثلاً بردارند [برای] این کار، والا این صندوق در اختیار دولت است. این صندوق مهم است و توصیه‌ی مؤکد ما این است که این صندوق را برای مصارف جاری و هزینه‌های جاری کشور نباید صرف کرد؛ این فقط بایستی در اختیار فعالان اقتصادی بخش خصوصی قرار بگیرد برای اینکه بتوانند کار کنند. مسئله را این‌جوری باید نگاه کرد و این‌جوری باید دید.

نکته‌ی بعدی در باب اقتصاد. اقتصاد نفتی - یعنی تکیه‌ی اصلی به فروش نفت خام - یکی از عیوب اساسی اقتصاد ما است؛ آن حرفی را که بنده بیست سال قبل گفتم و بعضی از مسئولین دولتهای آن روز با ننگه کردن چه‌جوری! یک لبخندی زدند و از آن عبور کردند که گفتم ما بایستی به جایی برسیم که هروقت اراده کردیم بتوانیم در چاه‌های نفتمان را ببندیم، بگوییم آقا، ما می‌خواهیم سه ماه نفت صادر نکنیم و این در اختیار ما باشد؛ ای کاش میتوانستیم؛ و این ممکن است، این را بعید نباید دانست؛ این چیزی است ممکن. حالا گفته میشود که مشتری‌ها از دست میروند و مانند این حرفها؛ نه، راه‌هایی برای همه‌ی اینها وجود دارد. ما اسیر نفت نباشیم؛ امروز ما اسیر نفتیم، ما توی مشت نفتیم؛ نفت هم دست ما نیست. تولیدش دست ما است، [اما] قیمت‌گذاری‌اش دست دیگران است، امکان فروشش دست دیگران است، تحریمش به دست دیگران است؛ ما در واقع اسیر نفتیم، [ولی] نفت باید اسیر ما باشد، نفت باید در اختیار ما باشد؛ این یک سیاست قطعی است. نفت یک سرمایه‌ی ملی است. البته سالهای طولانی‌ای خواهد گذشت تا این سرمایه تمام بشود اما خب تمام خواهد شد. ما عادت کرده‌ایم که نفت را یعنی این ذخیره‌ی ملی را از زیر زمین می‌آوریم بیرون و بدون هیچ ارزش افزوده‌ای می‌فروشیم. خب اقل کار کنیم، ارزش افزوده برایش درست کنیم؛ هم نفت را، هم گاز را - حالا [برای] گاز یک مقداری [ارزش افزوده در] پتروشیمی و مانند اینها درست میشود اما نفت همین‌جور دارد میرود - اینها اشکالات اساسی ما است. بایستی وابستگی را روزبه‌روز به نفت کم کنیم. این هم این نکته است.

نکته‌ی بعدی این است که اقتصاد دانش‌بنیان را اهمیت بدهیم. رشد شتابان اقتصاد به وسیله‌ی اقتصاد دانش‌بنیان [ممکن] خواهد شد. امروز ما امکانش را هم داریم؛ جوانهای بسیاری هستند آماده، تحصیل کرده، باسواد که میتوانند کارهایی انجام بدهند. گاهی می‌شنوید یا در تلویزیون می‌آیند یک کارآفرین جوان را نشان میدهند که آدم واقعاً لذت میبرد، حظ میکند که این آمده وارد شده در یک مقوله‌ای - کشاورزی، دامداری، صنعت، صنعتهای کوچک، خدمات و امثال اینها - با سرمایه‌ی کم شروع کرده و با پشتکار به یک جایی رسیده. [تولید] ثروت از راه فکر، از راه کارهای دانشی هم یک مسئله است.

نکته‌ی بعدی هم [اینکه] تولید داخل و کالای ایرانی را باید تقویت کنیم. حقیقتاً بایستی به مسئله‌ی حمایت از کالای ایرانی اهمیت بدهیم؛ این یک کار واجب است، کار ضروری و قطعی است. مسئولین دولتی، مسئولین بخشهای مختلف، نیروهای مسلح - که خریدهای عمده برای آنها است، هزینه‌های مهم این‌طور چیزها به عهده‌ی آنها است - سعی کنند که مطلقاً از محصولات غیر ایرانی آنجایی که [محصول] ایرانی وجود دارد استفاده نکنند.



بعد هم مسئله‌ی اقتصاد را همان‌طور که قبلاً هم عرض کردم به برجام و امثال آن گره‌نزنیم؛ [اینکه] بگوییم «اگر برجام شد، اقتصاد مردم خوب خواهد شد، اگر برجام نشد اقتصاد خراب خواهد شد»، نخیر، برجام یک مقوله‌ای است، همان‌طور که گفته شد با این مقوله به یک شکلی باید مواجه شد؛ با قدرت، با عقل، با تدبیر باید مواجه شد؛ این را با اقتصاد مخلوط نکنید. این جور نگویند که اگر این نشد اقتصاد ما خراب خواهد شد؛ اگر این شد اقتصاد درست خواهد شد؛ خوب شد، دیدید برجام تشکیل شد، اقتصاد هم درست نشد؛ اقتصاد به عوامل دیگری، عناصر دیگری احتیاج دارد؛ با این چیزها [درست نمیشود].

یک نکته‌ی بسیار مهم در اینجا این است که با سیاست ناامیدسازی و ایجاد توهم بن‌بست در کشور بشدت باید مبارزه بشود؛ این یک سیاست خصمانه‌ی آمریکایی و غربی است که در کشور احساس بن‌بست به وجود بیاورند، ناامیدسازی کنند؛ انواع و اقسام کارها را هم برای این قضیه میکنند؛ با این سیاست بایست بجد مقابله بشود. تزریق احساس ناتوانی، ناامیدی، بیچارگی، سیاست قطعی دشمن است. هدف دشمن این است که آن احساس افتخاری را که ملت ایران دارد، از او بگیرند؛ با شایعه، با دروغ، با درشت کردن ضعفها، با کوچک کردن موفقیتها و پیروزی‌ها این احساس را بگیرند. ملت ایران امروز یک احساس افتخاری دارد؛ احساس میکند مستقل است، ایستاده است، معتبر است، آبرومند در دنیا است، صاحب نفوذ در منطقه است، کارهای مهمی را انجام داده و انجام میدهد و انجام خواهد داد؛ ملت احساس افتخار میکنند، این احساس افتخار را میخواهند از ملت بگیرند، سلب کنند، پیروزی‌ها را شکست جلوه بدهند. ملت و مسئولین ما به برکت انقلاب و به برکت خودباوری ناشی از انقلاب حقیقتاً نبوغ نشان داده‌اند از خودشان. در طول این سالهای متمادی کارهای مهمی انجام گرفته؛ این‌همه ما گرفتاری داشتیم، جنگ داشتیم، تحریم داشتیم؛ این‌همه گرفتاری وجود داشته، درعین حال شما ببینید در زمینه‌ی کشاورزی، در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی فناوری، در زمینه‌ی بهداشت و درمان، در ارتقاء سطح آگاهی‌های عمومی، در زمینه‌ی عزت بین‌المللی، در مورد مردم‌سالاری واقعی و صحیح و مورد اطمینان، در مورد خدمات گسترده‌ی عمومی در سراسر کشور، چقدر کار در این کشور شده؛ حقیقتاً آنچه انجام گرفته است، به‌معنای حقیقی کلمه بسیار مهم و قابل اعتنا است. پیروزی‌ها را هم دشمن میخواهد شکست وانمود بکند برای اینکه حرکت و همت امیدوارانه را که خلال مشکلات کشور است میخواهند از بین ببرند و از دست ملت بگیرند.

کشور بحمدالله قوی است، جمهوری اسلامی بحمدالله قوی است؛ ما اگر ضعیف بودیم در مقابل ما این‌همه سازوبرگ لازم نبود. شما می‌بینید دشمن یک جبهه درست کرده و با سازوبرگ متنوع وارد میدان شده؛ خوب این برای چیست؟ اگر ما ضعیف بودیم که این‌همه خودگشان لازم نداشت که دشمن خودش را بکشد برای اینکه انواع و اقسام سلاحها را وارد میدان بکند؛ سلاح نظامی، سلاح تبلیغاتی، سلاح اقتصادی و امثال اینها. پیدا است ما قوی هستیم دیگر؛ خوب ما قوی هستیم و تلاش میکند و البته نمیتواند؛ به همان شکلی که مثال زدیم و قبلاً عرض کردیم. هر دفعه هم شکست خورده، این دفعه هم بحمدالله، باذن‌الله شکست خواهد خورد.

خلاصه‌ی عرض ما در باب مسائل اقتصادی کشور این است که کشور به برکت ظرفیتها، توانایی غلبه‌ی بر مشکلات اقتصادی را به‌طور کامل دارد. ظرفیتها را شناسایی کنیم، توانایی‌ها را احصاء کنیم، تجربه‌ها را مدنظر قرار بدهیم و از همه‌ی اینها بالاتر، نصرت الهی را فراموش نکنیم. ما برای اعلاء کلمة‌الله داریم تلاش میکنیم، ما دنبال قدرت مادی و این چیزها نیستیم؛ ما میخواهیم اسلام سربلند بشود، ما میخواهیم شریعت اسلامی در جامعه تحقق پیدا کند؛ ما میخواهیم در دنیایی که مادیگری و فساد و انحرافهای گوناگون از غرایز بشری آن را فراگرفته، یک حکومتی، یک





جامعه‌ای، یک کشوری درست کنیم که با احکام دین اداره بشود؛ دنبال این هستیم. تا یک حدودی هم موفق شده‌ایم، در یک مواردی هم ناموفقیت داریم که تلاش میکنیم ان شاء الله در آن بخشهایی هم که موفق نبوده‌ایم موفق بشویم؛ هدف ما این است. با این هدف، نصرت الهی قطعی است؛ خدای متعال وعده کرده و وعده‌ی الهی هرگز خلاف در نمی‌آید.

آخرین نکته‌ای که عرض میکنم، یک مطلبی است راجع به سازمان ملل. سازمان ملل انصافاً در طول این سالها خوب عمل نکرده است؛ تحت نفوذ آمریکا حرف زده، اقدام کرده و کار کرده که خوب مشاهده کرده‌اید و دیده‌اید؛ یک دبیرکل، حرکت سعودی‌ها در یمن را محکوم کرد، فردای آن روز آمد، محکومیت خودش را محکوم کرد و پس گرفت! از او پرسیدند، گفت خوب دیگر، فشار بود، فلان بود. فشار هم دوجور است: فشار پول و فشار زور؛ پول را قارون‌های خلیج فارس با پولهای نفتی تأمین میکنند، زور را هم آمریکا. سازمان ملل متأسفانه تحت تأثیر آمریکا قرار داشته. نسبت به جمهوری اسلامی هم که واقعاً کوتاهی‌های زیادی داشته که باید جبران کند. آنچه من الان مطرح میکنم این است؛ چند مسئله‌ی حقوق بشری در مورد آمریکا وجود دارد که سازمان ملل جداً باید اینها را دنبال کند. این پرونده‌ها حل نشده است، تمام نشده است، نیمه‌کاره مانده است که بعضی‌ها اصلاً از اول هم دنبال نشده.

این چند مسئله، یکی مسئله‌ی آتش زدن مرکز داوودی‌ها در زمان کلینتون است؛ این قضیه چرا دنبال نمیشود؟ یک عده‌ای، یک گروهی، وابسته‌ی به یک فرقه‌ای از فرق مسیحیت در یک خانه‌ای اجتماع کردند؛ دولتی‌ها به دلیلی با اینها مخالفت داشتند که آن دلیل ممکن است درست باشد، ممکن است غلط باشد؛ فرض میکنیم دلیل درست [باشد]؛ خوب در این مورد چه کار میکنند؟ معمولاً اینها را یا دستگیر میکنند یا میگیرند و می‌آورند؛ اینها این کارها را نکردند، خانه را آتش زدند و ده‌ها نفر زن، مرد، کودک، در این آتش‌سوزی زنده‌زنده سوزانده شدند و کشته شدند و رفتند! این چرا دنبال نمیشود؟ آمریکا با یک چنین سابقه‌ای صلاحیت دارد که از لحاظ حقوق بشری به این‌و آن تذکر بدهد؟ سازمان ملل باید دنبال بکند. این یک مسئله و یک پرونده‌ی حتمی و اساسی است که باید دنبال بشود.

مسئله‌ی دوم مسئله‌ی زندان گوانتانامو است؛ خوب زندان گوانتانامو در مقابل چشم دنیا است؛ چرا آمریکایی‌ها افرادی را گرفتند و چند سال در اینجا بدون محاکمه در سخت‌ترین شرایط نگه داشتند؟ یکی از علل پیروزی اوپاما این بود که در تبلیغات انتخاباتی‌اش وعده کرد که زندان گوانتانامو را تعطیل خواهد کرد و نکرد! هشت سال در رأس کار بود و این زندان باقی ماند، الان هم هست. اگر الان هم بفرض این زندان تعطیل بشود، سابقه‌ی این زندان و جنایاتی که در این زندان انجام گرفته، باید دنبال بشود؛ سازمان ملل باید این پرونده را دنبال کند. کسانی را -عمدتاً از افغانستان و از بعضی جاهای دیگر- بگیرند، بیاورند، ببرند آنجا در آن شرایط سخت نگه دارند، با دستبند، پابند، چشم‌بند، با وضع تغذیه‌ی بسیار نامناسب و وضع زیستی بسیار بد اینها را چند سال نگه دارند. اینها شوخی است؟ این را باید سازمان ملل حتماً دنبال کند.

یکی مسئله‌ی زندان ابوغریب عراق است. شکنجه‌هایی که در زندان ابوغریب عراق انجام گرفته است، شکنجه‌هایی است که در دستگاه‌های شکنجه‌ی دنیا مثل رژیم صهیونیستی و مانند آن -که سرآمد شکنجه‌گری هستند- کم‌نظیر است؛ یا دستگاه شکنجه‌گری زمان رژیم پهلوی که سررشته‌دار آنها هم اسرائیلی‌ها بودند؛ شکنجه‌هایی که در زندان ابوغریب شد، از همه‌ی آنها بدتر و بالاتر بود. خوب حالا آمریکایی‌ها اخراج شدند از آنجا، زندان ابوغریب دست خود عراقی‌ها افتاد، اما پرونده، پرونده است، بایستی دنبال بشود؛ یک مسئله‌ی بسیار مهم است. شبیه زندان ابوغریب



زندانی بود در افغانستان - زندان آمریکایی مستقر در افغانستان که در اختیار دولت افغانستان نبود، در اختیار آمریکایی‌ها بود- که افغانها شکایت میکردند، مسئولین افغان ناراحت بودند، به ما هم گفتند و همه میدانستند این را. همان کارهایی که در زندان گوانتانامو و ابوغریب میشد، در این زندان افغانستان هم انجام میگرفت. در اروپا هم زندانهای داشتند که حالا آنها را ما خیلی مطلع نیستیم.

یکی از پرونده‌هایی که بایستی سازمان ملل حتماً دنبال بکند، آزادی فروش سلاح در آمریکا است که [با آنها] این همه جنایت دارد انجام میگردد. می‌شنوید دیگر؛ می‌بینید دیگر؛ هر روز در مدرسه، در دانشگاه، در بازار، در خیابان، یک نوجوان، یک جوان، یک مرد، یک زن، بر اثر یک عارضه - یا اعصابش خراب است یا دیوانه است یا مشکل شخصی دارد- یک عده‌ای را به رگبار می‌بندد، ده نفر، هشت نفر، بیست نفر، کمتر، بیشتر، خانواده‌ها را داغدار میکند. چرا جلوی این را نمیگیرند؟ علت این است که کمپانی‌های فروش سلاح مانع این کارند و دولتهای آمریکا تحت نفوذ این کمپانی‌ها هستند. این موضوع بسیار مهمی است و بایستی سازمان ملل در این مسئله ورود کند و آن را دنبال بکند. این هم یک مسئله است.

یک مسئله‌ی دیگر هم رفتار جنایت‌بار دولت آمریکا و پلیس آمریکا با سیاه‌پوست‌ها است. متهم سیاه‌پوست یا مظنون سیاه‌پوست، محکوم به انواع سختی‌ها است، حتی مرگ؛ هیچ اشکالی ندارد! بعد هم می‌آیند در یک دادگاهی یک سرهم‌بندی‌ای میکنند و جانی قاتل را رها میکنند، آن بیچاره هم خودش به هدر میرود. این هم قابل پیگیری است.

[یکی هم] مسئله‌ی ایجاد داعش که همین رئیس‌جمهور کنونی آمریکا در تبلیغات انتخاباتی‌اش این را صریحاً گفت. البته قبلاً هم ما اطلاع داشتیم؛ گفته بودند که آمریکایی‌ها در ایجاد داعش نقش داشتند و آنها تحریک‌کننده‌ی این مسئله بودند؛ البته در یک جاهایی با واسطه بود، جاهایی واسطه هم نبود. ما اطلاع داشتیم که در موارد گوناگونی در عراق، اینها به داعش کمک میکردند و در فروش نفت به وسیله‌ی داعش و فرار سران داعش از محاصره‌هایی که احياناً پیش می‌آمد، در همه‌ی اینها آمریکایی‌ها به آنها کمک کردند. و کمک به رژیم صهیونیستی در کشتارها، که آخرینش همین کشتار اخیر در غزه است.

[یکی هم] کمک به [دولت] سعودی در کشتار یمن و کمک به حکومت بحرین در جنایتهایی که نسبت به مردم میکنند. اینها چیزهایی است که سازمان ملل باید در اینها ورود کند. سازمان ملل اگر سازمان «ملل» است، اگر سازمان وابسته‌ی به رژیم آمریکا نیست، باید در این قضایا ورود بکند. اینها کارهایی است که سازمان ملل بایستی انجام بدهد. آیا اینها توقع زیادی است؟

سخن جمهوری اسلامی، متین و مستدل و قابل اثبات است. در همه‌ی این زمینه‌هایی که گفتیم، اگر آمریکا را متهم میکنیم، دلیل اثبات‌کننده‌ی متقن داریم؛ اگر نسبت به اروپا بی‌اعتمادیم، دلیل متقن داریم؛ اگر نسبت به مسائل اقتصاد داخلی معتقدیم که بایستی به ظرفیت داخلی اعتماد کرد و تکیه کرد، دلیل متقن پشت سرش هست؛ این چیزهایی هم که از سازمان ملل خواستیم، همه با ادله‌ی متقن است. همین اتقان، همین استدلال درست و دقیق، چیزی است که جمهوری اسلامی را به فضل الهی تا امروز، با قدرت، با استحکام نگه داشته است و استحکام جمهوری اسلامی بیشتر شده است و امروز قابل مقایسه‌ی با بیست سال پیش و سی سال پیش نیست و بمراتب قوی‌تر است



؛ و ان شاء الله بعد از این هم این حرکت به سمت اقتدار جمهوری اسلامی بیشتر خواهد شد؛ همراه با استحکام ساخت داخلی و صحت رفتار مسئولان با مردم در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و غیره. امیدواریم خداوند متعال ما را کمک کند که بتوانیم در آن جهتی که گفتیم و می‌خواهیم، حرکت کنیم.

پروردگارا! به محمد و آل محمد جمهوری اسلامی و ملت ایران را روزبه‌روز سربلندتر بفرما. پروردگارا! مسئولان دلسوز و علاقه‌مند و خدمتگزار را تأیید و تقویت بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد روح امام بزرگوار ما را با اولیائت محشور بفرما؛ شهدای عزیز این راه را با شهدای صدر اسلام محشور بفرما؛ ما را عاقبت بخیر بفرما؛ ماه رمضان را برای ما، ماه اعتلاء معنوی و صفای روحی و معنوی قرار بده. پروردگارا! آنچه گفتیم و شنیدیم برای خودت و در راه خودت قرار بده و آن را از ما به کرم‌ت قبول بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی (رئیس‌جمهور) مطالبی بیان کرد.
- ۲) سوره‌ی مزمل، آیات ۱ تا ۴
- ۳) سوره‌ی مزمل، آیه‌ی ۵
- ۴) باراک اوباما
- ۵) خنده‌ی حضار
- ۶) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷؛ «... اگر خدا را یاری کنید، یاری‌تان میکند...»
- ۷) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «... و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد...»
- ۸) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۲۶؛ «... یاری جز از جانب خداوند نیست...»
- ۹) نومحافظه‌کاران؛ از گرایشهای سیاسی در آمریکا
- ۱۰) ضرب‌المثل عربی
- ۱۱) رئیس‌جمهور مخلوع مصر
- ۱۲) جورج دبلیو بوش
- ۱۳) دونالد ترامپ
- ۱۴) مایک پومپئو
- ۱۵) حجّت‌الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی‌رفسنجانی
- ۱۶) تأسیسات فرآوری اورانیوم (UCF)
- ۱۷) سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «و بدین‌گونه برای هر پیامبری از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا میکنند...»
- ۱۸) قطعنامه‌ای که شورای امنیت سازمان ملل متحد با پانزده رأی موافق در خصوص رفع تحریمهای مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد.
- ۱۹) از جمله، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۳۹۱/۵/۳)
- ۲۰) از جمله، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۳۹۵/۳/۲۵)